

غزل شماره ۳۹۶

صبح است ساقی قدحی پر شراب کن
دور فلک دنگ ندارد شباب کن

زان پیشتر که عالم فانی شود خراب
مار از جام باده گلگون خراب کن

خورشید می ز مشرق ساغر طلوع کرد
گر برگ عیش می طلبی ترک خواب کن

روزی که چرخ از گل ماکوزه ها کند

ز نهار کاسه سرما پر شراب کن

ما مرد زهد و توبه و طامات نیستیم

با ما به جام باده صافی خطاب کن

کار صواب باده پرستیت حافظا

بر خیز و عزم جزم به کار صواب کن

تفسیر فال

بیشتر از این به مال و ثروتی که داری تکیه نکن و به آن مغرور نشو، زیرا مال مانند خورشید است که از شرق طلوع می‌کند و به تدریج در غرب غروب می‌نماید. این مفهوم بیانگر ناپایداری و فانی بودن دنیای مادی است. یاد روزی باش که قرار است کوله‌باری از رفتارهایت را به آخرت ببری؛ بنابراین، لازم است کارهای شایسته و نیکو انجام دهی تا در آن روز با سرافرازی حاضر شوی. همچنین، به نیایش خدا پرداز و دل خود را صاف کن، چراکه خداوند همیشه با توست و در هر لحظه مراقب اعمال توست. ارتباط با خداوند نه تنها موجب آرامش روح می‌شود بلکه راهنمایی‌های الهی را نیز در زندگی‌ات جاری خواهد ساخت. پس تلاش کن تا علاوه بر توجه به امور مادی، همواره روح خود را غنی کنی و ارزش‌های معنوی را در زندگی‌ات جای دهی.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)